



﴿هوالحكيم﴾

عنوان:

دشمن شناسی عاشورا



دکتر وحید باقر پورکاشانی

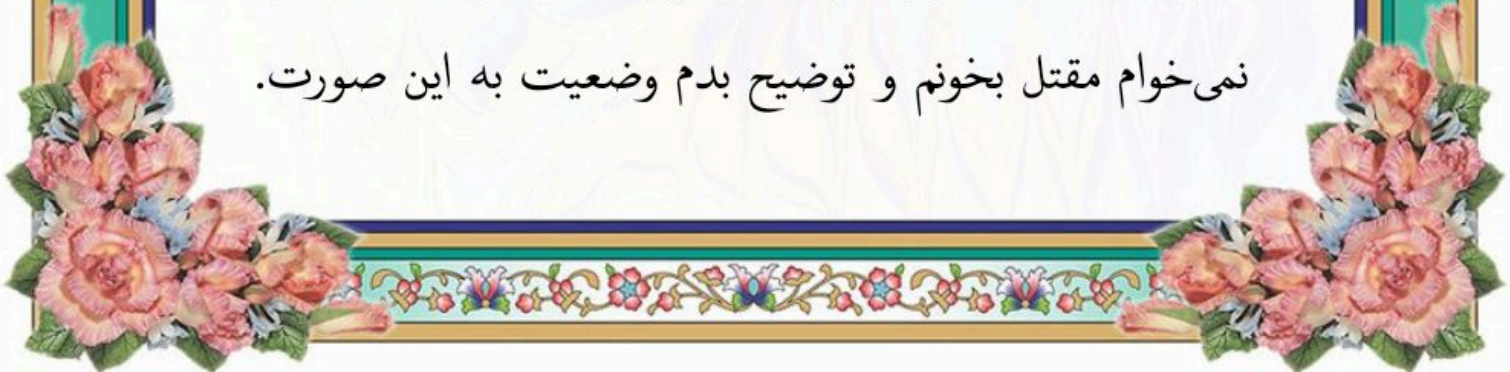



@SERATEHAGH1



@MAHDISM_12





بعضی‌ها می‌گن آقا جون جنگ امام حسین و یزید، جنگ
قدرت بود! در دنیا هم این مسائل هست هر دو می‌خوان
حکومت بکنن! اصلا جنگ قدرت بود، هر دو هم تشنه‌ی
قدرت بودن! فرض بگیریم فرض محال ک محال نیست. نکته‌ی
دیگه شما دو نفر با هم جنگ دارین چه معنا داره که در
میدان جنگ که دیگه خود خوارزمی در مکتل خودش ملای
سنی این ماجرارو نقل کرده خیلیای دیگه هم نقل کردن. امام
حسین وقتی طلب می‌کنه آب برای فرزندش چه معنا داره که
حرمله وایستاده، عمر سعد هم وایستاده، می‌گه: پدر یا پسر؟
می‌گه مگه سفیدی گردن پسرو نمی‌بینی! این با چه عدالتی جور
در میاد! این با چه منطقی جور در میاد؟ اسلام گفته که بچه رو
بزن! گردنش و بزن! زنهارو به اون وضعیت! اسلام گفته که
تشنگی رو قالب کن به بچه‌ها به اون وضعیتی که حالا دیگه
نمی‌خوام مقتل بخونم و توضیح بدم وضعیت به این صورت.



حالا کیا اومدن به کشتن امام حسین؟ در مقاتل بخونیم افرادی اومده بودن جمعی که می گفتن قربه الی الله می خوایم حسین رو بکشیم! به خاطر خدا می خواستن امام حسین رو بکشند! يك نکته. نکته‌ی دیگه می خوام این جریان يك مقدار توضیح داده بشه یزید رو به عنوان حجت الله، به عنوان به تعبیری خلیفه الله می دانستن! امرش و واجب می دانستن! امام حسین می خواد بگه که این کیه؟ این کسی که به عنوان خلیفه‌ی خدا می دونید این در چه جایگاهی هست. خب وضعیتی برای کشتن امام حسین اومده بودن، هر کی هر چی داشت! حداقل در مقاتل ۱۷ هزار نفر حداقل مقابل امام حسین بودن! تو مقتل آورده که می گه؛ تو اومدی کربلا، شمشیر داری؟ می گه شمشیر نداشتم! به من هم ندادن. نیزه چی؟ نیزه هم نداشتم! چی آوردی؟ کلنگ آوردم! کلنگ آوردم از ثواب کشتن حسین بن علی نمانم! وقتی امام حسین رو سه حلقه تشکیل دادن، حلقه‌ی نیزه زنان، شمشیر زنا، سنگ زنا، وقتی آقارو می خواستن لحظات آخر همه تکبیر می گفتند! الله اکبر گفتند. وضعیت این طوری بود.





وقتی امام حسین رو کشتن چهار مسجد، به برکت کشتن
حسین بن علی در کوفه ساختن! نذر کرده بودن ساختن!
شمر، شمر فکر می‌کنین که آقا يك آدم... ابن عباس می‌گه
که: داشتم طواف می‌کردم دور کعبه، یه وقت دیدم شمر اومد
جلوم! ابن عباس شاگرد امیر المومنین، مفتی و مفسر بزرگ
قرآن. اهل تسنن خیلی ایشون رو قبول دارن. اومد گفت که ابن
عباس داشتم طواف می‌کردم احرامم پشه بود، پشه رو زدم خون
پشه روی احرام بود. آیا طواف من درسته یا نه؟ می‌گفت طاقت
نیاوردم گفتم: شمر، حسین بن علی رو در کربلا به شهادت
رسوندی با اصحابش، اون‌جا نگفتی این کار درسته یا درست
نیست! حالا خون پشه روی لباسه می‌گی احرام .. طوافی که
می‌کنم درسته یا نه!

